

بررسی و تحلیل امانت‌داری از منظر قرآن و روایات

نورمحمد محمدی^۱

چکیده

قرآن به عنوان کتاب راهنمای بشر، تمام زندگی مادی و معنوی او را در قالب امر و نهی‌های شرعی، سفارش‌های اخلاقی و حتی داستان‌های امم گذشته، پوشش می‌دهد. روایات هم در طول کلام خدا، در قالب تبیین و تفسیر قرآن همین نقش ارشادی و هدایتگری را برای بشر دارد. امانت‌داری به عنوان یکی از مصادیق مهم آموزه‌های اخلاقی، در نگاه قرآن و حدیث، بازتاب چشم‌گیری دارد که نشان دهنده اهمیت بالای این خصلت ارزنده برای افراد و جوامع بشری است. در این تحقیق امانت‌داری از نگاه قرآن و روایات با روش توصیفی بررسی شده و هدف نگارنده، برجسته‌سازی این وصف ارزنده انسانی برای مخاطبان، به امید نهادینه شدن آن در جامعه هدف بوده است. بخش محوری تحقیق که همان یافته‌های تحقیق است، آثار و برکات فردی و اجتماعی امانت‌داری است که بیشتر از لسان روایات معصومین^(ع) اخذ و در خور این تحقیق، تحلیل شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ارزندگی امانت‌داری به خاطر آثار فردی – اجتماعی و مادی – معنوی آن است که تقویت و تکامل ایمان و ازدیاد روزی از جمله آثار فردی امانت‌داری و ازدیاد اعتماد بین مردم و حاکمیت، آرامش روانی در جامعه و از همه مهم‌تر مصونیت بیت المال، از آثار اجتماعی آن است.

کلیدواژه‌ها: امانت، امانت‌داری، انواع امانت، آثار فردی امانت‌داری، آثار اجتماعی امانت‌داری

۱. محصل مدرسه علمیه امام علی، کابل افغانستان.

ایمیل: mnoormohammad380@gmail.com

مقدمه

امانت‌داری یکی از صفات عالی انسانی است که در جوامع جوینده کمال، کاربرد بسیار اساسی و ثمربخش دارد. اگر افراد یک جامعه، متصف به این صفت ارزشمند باشند، فواید و برکات زیادی نصیبشان خواهد شد. در اهمیت این صفت والا همین بس که پیامبر اکرم^(ص) از میان آن‌همه برجستگی‌های اخلاقی، خود را امین معرفی می‌کند: «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»؛ (شعراء: ۱۰۷) امین بودن ایشان قبل از بعثت نیز بر سر زبان‌ها بود؛ زیرا برخی از مردم در صورت نیاز اموال خود را نزد ایشان به امانت می‌گذاشتند. همین صفت انسانی، در جذب برخی مسلمانان اولیه به دین اسلام، بی‌تأثیر نبوده است. در این مقاله این صفت ارزشمند انسانی، از منظر آیات کریمه قرآن و روایات معصومین^(ع)، بررسی و تحلیل می‌شود، باشد که برای مخاطبان خود مفید واقع شود.

۱. معنای امانت

امانت از ماده (ا م ن) در لغت به معنای اطمینان، آرامش و برطرف شدن ترس و خوف است؛ اما در اصطلاح، مالی است که در دست غیر سپرده می‌شود و به کسی که مورد اعتماد و محافظ آن مال است، امین می‌گویند. امانت لفظ عامی است که امانت مالکی و امانت شرعی هر دو را در برمی‌گیرد. امانت مالکی امانتی است که مال به اختیار مالک نزد غیر، به واسطه عقد و دیعه و... قرار می‌گیرد؛ اما امانت شرعی این است که انسان از طرف شارع مأمور است که مال غیر را وقتی در دستش قرار می‌گیرد، محافظت و ادا کند. مثل اینکه باد لباس کسی را در خانه غیر ببندازد، صاحب‌خانه شرعاً وظیفه دارد که آن را حفظ کند تا به صاحبش برگرداند. (مرکز فرهنگ معارف قرآن، ۱۳۸۶، ۴: ۲۴۷)

۲. جایگاه امانت‌داری در اسلام

امانت‌داری یک رکن از ارکان مهم اخلاقی و صفت ارزشمند و والای است که تمام صفات اخلاقی دیگر مثل عدالت، ایثار، جود، سخاوت و... از آن سرچشمه می‌گیرد.



این صفت نیک در دین مقدس اسلام نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و در قرآن کریم و احادیث معصومین^(ع) سفارش و تأکید زیادی شده که در ذیل به آن می‌پردازیم.

۳. امانت‌داری در قرآن

قرآن مسلمانان را به حفظ و توجه نمودن به امانت دیگران سفارش می‌کند. از جمله برای همه دستور می‌دهد که امانت را به صاحبان آن برگردانید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ (نساء: ۵۸) لفظ امانات در این آیه جمع است و معنای وسیعی دارد. طبق صریح این آیه، هر مسلمان وظیفه دارد که به هیچ امانتی نسبت به هیچ‌کس خیانت نکند. این یک قانون کلی اسلامی و برای همه یکسان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۳: ۴۳۰)

در جای دیگر می‌فرماید:

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ؛ (احزاب: ۷۲) ما امانت را به آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها عرضه کردیم. آن‌ها سرباز زدند و هراسناک شدند، ولی این امانت را انسان برداشت.

راستی این چه امانتی بود که آسمان با آن بزرگی و زمین با آن وسعت و کوه‌ها با آن صلابت از پذیرفتن آن خودداری کرد؛ اما انسان با این جسم ضعیف آن را متحمل شد و قبول کرد! در بین مفسران احتمالات فراوانی داده شده است. از جمله اینکه منظور از امانت در این آیه، تکلیف و مسئولیت است که بدون عقل و آزادی ممکن نیست. کسی آن را قبول نکرد، ولی انسان پذیرا شد؛ زیرا استعدادش را داشت و دارای عقل و اختیار بود. همین حمل امانت، سبب مقام خلیفه الهی و امتیاز انسان شد و مقامش از ملائکه هم بالا رفت؛ اما موجودات دیگر که نپذیرفتند، از باب عصیان و سرپیچی نبود، بلکه استعداد پذیرش این امانت عظیم الهی را نداشتند. همان‌طوری که پذیرفتن و حفظ امانت (تکلیف)، انسان را به اوج کمال می‌رساند، خیانت در آن سبب ذلت و خواری وی نیز می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۳: ۱۸۱)

قرآن کریم در اوصاف مؤمنین شایسته می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ

رَاعُونَ»؛ (مؤمنون: ۸) مؤمنان کسانی هستند که امانت‌ها و عهد خود را مراعات می‌کنند. راعون یعنی مراقبت همه‌جانبه از چیزی و این نشان‌دهنده اهمیت امانت است که علاوه بر حفظ باید ادا نیز شود. (همان: ۱۷۷) در جای دیگر از زبان حضرت یوسف^(ع) می‌فرماید بعد از اینکه پادشاه او را نزد خود فراخواند و او را با استعداد و با درایت دید، «قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ»؛ (یوسف: ۵۴) گفت تو امروز نزد ما جایگاه والا داری و مورد اعتماد و امین هستی. «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ»؛ (یوسف: ۵۵) حضرت در جواب سلطان گفت: مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) مقرر کن که من نگه دارنده و آگاهم. از این آیه استفاده می‌شود که مسئولیت‌ها باید به فرد امین واگذار شود تا حق و منافع مردم را حفظ کند و به صاحبان حق برساند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۱۰: ۸-۷)

بارجوع به این آیات می‌فهمیم که اگر کسی امین بود، باید داوطلبانه وظایف را به عهده بگیرد تا عدالت و مساوات و بسیاری از فضیلت‌های اجتماعی گسترش یابد و حق‌داران به حق خود برسند.

۴. امانت‌داری در احادیث

از آنجا که امانت‌داری یکی از فضیلت‌های اخلاقی است، در روایت معصومین^(ع) بازتاب خاصی دارد که برای نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم. پیامبر اسلام^(ص) می‌فرماید:

۱. إِنْ أَحْبَبْتُمْ أَنْ يَحْبِبَكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَأَدُّوا إِذَا اتُّمِّتُمْ؛ اگر دوست دارید که خدا و رسولش شما را دوست بدارند، وقتی شما را امین دانستند، امانت را به صاحبش برگردانید. (پاینده، ۱۳۸۵: ۲۶۴)

۲. إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُهُ: الْحَيَاءُ وَالْأَمَانَةُ وَالصِّدْقُ وَإِذَا لَمْ تَرَهَا فَلَا تَرْجُهُ؛ وقتی سه خصلت را در برادر خود دیدی، به او امیدوار باش: حیا، امانت و راستی. اگر این صفات را ندیدی از او امید نداشته باش. (متقی الهندی، بی تا، ۹: ۲۶)

۳. لَيْسَ مِنَّا مَنْ يَحَقِّرُ الْأَمَانَةَ حَتَّى يَسْتَهْلِكَهَا إِذَا اسْتُودِعَهَا؛ از ما نیست کسی که امانت را



بی‌اهمیت بشمارد و بدین سبب امانتی را که به او سپرده شده است، تا وقت برگرداندن ضایع گرداند. (مجلسی، ۱۳۶۱، ۷۵: ۱۷۲)

چنانکه پیدا است در این سه روایت پیامبر اکرم^(ص)، محبوب خدا و پیامبر شدن و خروج از جمع پیروان دین اسلام، رابطه مستحکمی با خصلت امانت‌داری دارد. این خصلت در روابط اجتماعی نیز نقش اساسی دارد، چنانکه در روایت دوم آمده که اگر کسی چنین خصلتی نداشته باشد و دیگران به خیر او امیدی نداشته باشند، همه با او قطع رابطه خواهند کرد.

امام صادق^(ع) می‌فرماید:

۱. لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَىْءٌ إِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ آدَاءِ أَمَانَتِهِ؛ به طول رکوع و سجود انسان توجه نکنید؛ زیرا این چیزی است که عادت کرده است که اگر ترکش کند، به وحشت می‌افتد. باید به راست‌گفتاری و ادای امانتش توجه کنید. (کلینی، ۱۳۶۹، ۲: ۱۰۵)
۲. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ؛ خداوند هیچ پیامبر را مبعوث به رسالت نکرد جز به راست‌گویی و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار. (کلینی، ۱۳۶۹، ۲: ۱۰۴)

حضرت امام علی^(ع) فرمود:

۱. لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ^(ص) يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ مَرَارًا ثَلَاثًا: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَالْمِخِيطِ؛ شنیدم که رسول خدا^(ص) پیش از وفاتشان سه بار به من فرمود: ای ابوالحسن! امانت را چه از شخص نیکوکار باشد از شخص بدکار، چه کم باشد چه زیاد به صاحبش برسان، حتی اگر آن امانت، نخ و سوزن باشد. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۲: ۳۵۶)
۲. أَفْضَلُ الْإِيمَانِ الْأَمَانَةُ أَفْبَحُ الْأَخْلَاقِ الْخِيَانَةُ؛ بالاترین مرتبه ایمان، امانت‌داری و زشت‌ترین جنبه اخلاق، خیانت در امانت است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ۱: ۴۷۳)



از نظر معصومین^(ع) این دو صفت صداقت و امانت‌داری معیار شناخت افراد است، نه نحوه عبادت او. حتی یکی از معیارهای انتخاب پیامبر از سوی خداوند هم امانت‌داری بوده است. برگرداندن امانت طبق احادیث معصومین^(ع) واجب است و بین صاحب نیکوکار و بدکار امانت، فرقی نیست؛ زیرا هدف پیشوایان و دین اسلام، ایجاد برابری و برادری و جامعه‌ای است که اعتماد عمومی بر آن حاکم باشد. لذا اگر قرار این باشد که وقتی مالی از دشمن به طور امانت به دست ما رسید، مال را به دلیل دشمن بودن صاحبش رد نکنیم یا چون صاحب مال فاسق و فاجر است، امانتش را برگردانیم، هیچ وقت جامعه اسلامی و مورد رضایت خداوند به وجود نخواهد آمد.

۵. انواع امانت و امانت‌داری

بدون شک وقتی سخن از امانت به میان می‌آید، ذهن اغلب مردم متوجه امور مالی و مادی می‌شود؛ اما واقعیت این است که در آموزه‌های دینی، امانت انواع مختلف و معنای وسیعی دارد که شامل تمام مواهب و نعمت‌های الهی می‌شود که اینکه به سه نوع آن اشاره می‌کنیم:

۵-۱. امانت‌های الهی

خداوند امانت‌های بی‌شماری برای بندگان به ودیعت گذاشته است و بندگان در برابر این امانت‌ها مسئولند. امانت منحصر به امور مالی نیست، بلکه عالمان دین امانت‌دارانی هستند که حقایق را بگویند و کتمان نکنند. فرزندان در دست پدر و مادر امانت هستند که اگر در تعلیم و تربیت آن‌ها کوتاهی شود، خیانت در امانت شده است. تمام نیروها و استعدادهای ذهنی و بدنی انسان امانت الهی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۳: ۴۳۲) اینک چند نمونه از امانت‌های الهی را بررسی می‌کنیم:

۵-۱-۱. اعضا و جوارح انسان

یکی از امانت‌های خداوند، اعضای بدن و نیروهای درونی انسان است. هریکی از اعضای بدن وظایف مخصوصی دارد که اگر انسان از آن تخطی کند یا در راه عصیان



به کار بگیرد، در امانت الهی خیانت کرده است. مثلاً وظیفه اصلی زبان سخن حق گفتن است، گوش وظیفه دارد سخن حق و پیام الهی را بشنود و همین طور بقیه اعضا باید در مسیر هدف خلقت خود و هدایت و سعادت و سلامت روحی و جسمی انسان به کار گرفته شود تا جنبه امانت بودن آن‌ها حفظ شود.

امام خمینی، (ره) در این مورد می‌فرماید: «باید بدانیم که خداوند تمام قوا و اعضای ظاهری و باطنی را به ما داده و آن‌ها را برای ما رام و مسخر گردانیده در حالی که همه پاک و مطهر بودند از قذارت صوری و معنوی. پس اگر در وقت ملاقات با خداوند آن امانت را بدون کم و کاستی و همان‌طور پاک و پاکیزه به او رد کردیم، امین در امانت هستیم و الا خیانت‌کار و از دایره اسلام و ملیت پیامبر^(ص) خارج هستیم». (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۴۷۹) امانات شامل تمام تکالیف الهی که برای بشر به ودیعه سپرده شده، اطلاق می‌شود و نیز شامل اعضا، جوارح و قوای بشری می‌شود و دربرگیرنده هر نعمت و مالی است که به آدمی داده شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۱: ۱۵) امام علی^(ع) می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي؛ خدایا جان مرا نخستین چیزی گرامی قرار بده که از اعضای بدن من می‌گیری و اولین امانتی که از نعمت‌ها به من سپرده شده به نزد خود بر می‌گردانی». (نهج البلاغه، خ ۲۱۲)

بنابراین تمام اعضا و جوارح انسان حتی هویت انسان، امانت الهی است که باید در راه رضای خدا و در راه اطاعت او به کار گرفته شود. عمر، فکر و عقل ما امانت‌هایی است که خداوند^(ج) به ما داده تا در راهی که خودش مشخص کرده، صرف کنیم و اگر هر یک از این امانت‌ها را در غیر راه خدا مصرف کنیم، خیانت‌کار هستیم و در قیامت باید پاسخگو باشیم. قرآن به صراحت می‌فرماید: «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»؛ (اسراء: ۳۶) گوش و چشم و قلب، همگی مورد سؤال قرار می‌گیرند. باید حافظ و نگهبان آن‌ها باشیم تا در پیشگاه خداوند خیانت‌کار محسوب نشویم.



۵-۱-۲. فرائض الهی

یکی دیگر از امانت‌های الهی فرائض و واجباتی مانند نماز، روزه، حج و... است که انسان به‌طور صحیح باید انجام بدهد تا حرمت این امانت‌های الهی نگهدارد. خداوند^(ج) نیز فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ»؛ (انفال: ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و رسولش و در امانت‌های خود خیانت نکنید. (انفال: ۲۷) مقصود از خیانت به خدا و پیامبر، واجبات تکلیفی و شرعی است که نباید ترک شود؛ یعنی فرائض خدا و سنن پیامبر نزد مؤمنین امانت است. پس ضایع کردن فرائض و مخالفت با آن‌ها، در واقع خیانت به خدا و پیامبرش است. پس باید محرمات ترک و واجبات انجام داده شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۳: ۱۷۹)

۵-۱-۳. علم و دانش

دانش در ذات خود یک امتیاز و ویژگی است که ارزش بالایی دارد و روایات فراوانی در مورد اهمیت آن وارد شده است؛ اما حدیثی از حضرت رسول اکرم^(ص) است که می‌فرماید:

الْعِلْمُ وَدِيعَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْعُلَمَاءُ أُمَاؤُهُ عَلَيْهِ فَمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ أَدَّى أَمَانَتَهُ وَمَنْ لَمْ يَعْمَلْ كُتِبَ فِي دِيْوَانِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّهُ مِنَ الْخَائِنِينَ؛ علم، امانت خداوند در زمین او است و دانشمندان امینان او هستند. پس هرکس به علم خود عمل کند، حق امانت را ادا کرده و هرکس به علم خود عمل نکند، نام او در دفتری در جمع خیانت‌کارها نوشته می‌شود. (مجلسی، ۱۳۶۱، ۲: ۳۶)

۵-۱-۴. اسلام

دیگر از امانت‌های الهی اسلام است که از طرف خدا توسط پیامبر برای مردم آورده شده و همه مکلف به پاسداری و حفظ آن هستند. در مقام پاسداری و حفاظت از اسلام هیچ‌کس استثنا نشده، بلکه همگی مسئول به نگهداری آن هستند. پیامبران، ائمه معصومین، شهیدان و علماء، نگهبانان این مکتب بزرگ الهی بوده‌اند و دیگران را نیز به حفظ آن توصیه و سفارش نموده‌اند. امام خمینی در این مورد می‌فرماید: «اسلام و احکام اسلام آن‌قدر اهمیت و ارزش دارد که پیامبر^(ص) و مسلمانان برای احکام خدا و برای خدا خودشان را فدا کردند. بنابراین اسلام نه از من است نه از شما



بلکه از خدا است و همه ما مکلفیم که با تمام قدرت آن را نگه داریم. در صورت کوتاهی و حفظ نکردن آن خائن محسوب شده و عاصی امر خدا و پیامبر می‌باشند». (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۱۵: ۱۱۲)

۵-۲. امانت‌های انسانی

از مهم‌ترین امانت‌های انسانی، اموال عمومی یا بیت‌المال است؛ مثل میز، صندلی در کلاس درس، آب و برق مکتب و مدرسه و ادارات دولتی، پارک و معابر که اموال عمومی است. همه مردم باید مثل اموال شخصی خود از آن‌ها حفاظت کنند. چه اینکه خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ (نساء: ۵۶) امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها برگردانید.

بنابراین در استفاده از بیت‌المال نباید کوتاهی شود؛ اما متأسفانه این امر مهم در جامعه ما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. استفاده از بیت‌المال را باید از مولای متقیان حضرت علی^(ع) آموخت که در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش که اموال عمومی را به غارت برده بود، فرمود:

من تو را شریک در امانتم (حکومت و زمامداری) کرده و همراه خود ساختم؛ اما وقتی دیدی روزگار بر پسرعمویت سخت شده و دشمن به او هجوم آورده و امانت مسلمانان تباه گردیده و...، مثل دیگر خائنین خیانت کردی... به خدا قسم اگر حسن و حسین چنین کاری را که تو کردی، انجام می‌دادند، هیچ حمایتی از من نمی‌دیدند. (نهج البلاغه، ن ۴۱)

این تعبیر امام^(ع) نشان می‌دهد که بدترین گناه، خیانت در امانت بیت‌المال است و مردم باید به آن بذل توجه داشته باشند.

۶. فواید و آثار امانت‌داری

اگر افراد در هر مقام و منصب که قرار دارد سرمایه‌های مادی و معنوی، عمومی و خصوصی را در یک جامعه و کشور امانت بدانند که چند روزی در اختیار دارند و به زودترین وقت از دستشان خواهد رفت چون دائمی نیست و خودشان را محافظ و

نگهبان آن بدانند برکات و آثاری زیادی برای فرد و جامعه به ارمغان خواهد آورد زیرا همان طوری که هر چیز هر کار و عمل آثار دارد امانت‌داری نیز آثار فراوانی مانند آثار فردی، اجتماعی، مادی، معنوی و... را به دنبال دارد که به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱-۶. آثار فردی امانت‌داری

۱-۱-۶. تقویت و تکامل ایمان

تصدیق و باور قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح را ایمان گویند. بنابراین ایمان هر شخصی پس از طی نمودن مرحله‌های مختلف و با تحمل سختی‌ها و دشواری‌های فراوان در انجام کارهای نیک و عمل نمودن به قانون و مقررات و دستورات عمل‌های الهی، کمال می‌یابد. در این میان بعضی اعمال و رفتارها و مقدماتی است که در کامل شدن ایمان انسان نقش دارد. بر اساس روایات، امانت‌داری یکی از اعمالی است که سبب تکامل ایمان می‌شود. چنانکه امام صادق^(ع) از زبان پدر بزرگوارش می‌فرماید:

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلَتْ إِيْمَانُهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا لَمْ يَنْقُصْهُ ذَلِكَ قَالَ وَهُوَ الصِّدْقُ وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ؛ چهار ویژگی در افراد وجود دارد که سبب کامل شدن و تقویت ایمان آن‌ها است که اگرچه سرتاپای وجودشان را گناه فراگرفته باشد، خلل در ایمانشان ایجاد نمی‌شود. آن چهار خصلت راست‌گویی، امانت‌داری، حیاء و خوش خلقی است. (مجلسی، ۱۳۶۱، ۶۴: ۲۹۵)

پیامبر اسلام^(ص) در این زمینه می‌فرماید: لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ؛ کسی که امانت‌دار نیست، ایمان ندارد. (همان، ۲: ۲۲۵)

از این احادیث به دست می‌آید که امانت‌داری در رشد و شکوفایی و بالندگی ایمان تأثیر دارد و می‌تواند ایمان را به مرحله‌ای برساند که حتی گناه هم نتواند جلوی تکاملش را بگیرد. عدم امانت‌داری یا خیانت نیز می‌تواند با عدم ایمان سنجیده شود. چنانکه در حدیث رسول خدا^(ص) گذشت.

۲-۱-۶. فزونی روزی و ثروت

فرد امین به اعتبار اینکه فرمان خدا را برای رضای او انجام داده است، همیشه هم



مورد عنایت خدا بوده و در رحمت خدا به رویش باز است. چنانکه امام کاظم^(ع) می‌فرماید: «أداء الأمانة والصدق يجلبان الرزق والخيانة والكذب يجلبان الفقر والنفاق؛ ادای امانت و راست‌گویی موجب جلب رزق می‌شود؛ اما خیانت و دروغ سبب فقر و نفاق است». (مجلسی، ۱۳۶۱، ۷۵: ۳۲۶) حضرت امام علی^(ع) فرمود: «الامانة تجر الرزق والخيانة تجر الفقر؛ امانت روزی را زیاد و خیانت روزی را کم می‌کند». (کلینی، ۱۳۶۹، ۳: ۱۲۴)

فرد امین جدا از اینکه از نظر معنوی مورد عنایت خداوند است، از نظر ظاهری نیز در جامعه‌ای که زندگی می‌کند، از اعتبار بالایی برخوردار است. لذا در هنگام رفتاری و تنگدستی، همه حاضرند به او کمک کنند. یا اگر کاسب و تاجر باشد، به دلیل همان اعتباری که از طریق امانت‌داری کسب کرده است، همه با او داد و ستد و معامله می‌کنند و این‌ها باعث جلب و ازدیاد روزی وی می‌شود.

۳-۱-۶. جاودانگی و رستگاری

از دیگر آثار امانت‌داری، جاودانگی و رستگاری است. خداوند متعال در قرآن، یکی از اوصاف مهم و بارزش مؤمنان را امانت‌داری می‌شمارد و می‌فرماید:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ (مومنون: ۸-۱۱) آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند، آن‌ها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند، آن‌ها وارثانند؛ [وارثانی] که بهشت برین را ارث می‌برند و جاودانه در آن می‌مانند. علت خلود آن‌ها در بهشت همین تعهد و امانت‌داری است که از اصول مهم اجتماعی بشر است و بدون آن هرج و مرج در جامعه به وجود خواهد آمد، حتی ملت‌های که اعتقاد الهی و مذهبی ندارند، نیز برای جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی، خود را موظف به امانت‌داری می‌دانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ۱۴: ۲۰۰)

۴-۱-۶. جلب محبت الهی

قرآن کریم در مورد رابطه امانت‌داری و جلب محبت الهی، می‌فرماید:

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِطْعَةٍ يُوَدِّهِ إِلَيْكَ... بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ



اللَّهِ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ؛ (آل عمران: ۷۵-۷۶) در میان اهل کتاب کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به طور امانت به آن‌ها بسپاری، به تو باز می‌گردانند.

بعضی اهل کتاب که امانت‌دار بودند و به عهد خود وفا می‌کردند و پرهیزگاری پیشه می‌کردند، محبوب خداوند شمرده شده و خداوند (ع) آن‌ها را دوست دارد. پس معیار شخصیت معنوی و ارزش آدمی دو چیز است؛ یکی وفای به عهد و دیگری خیانت نکردن به امانت. این دو خصلت ارزنده، به انسان ارزش و مقام می‌دهد و آن محبوب و دوست خدا بودن است. چه بهتر از این که خداوند دوست و صاحب انسان باشد. امام علی (ع) فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَبْدًا حَبَّبَ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ؛ وقتی خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد، امانت را در نظر او محبوب جلوه می‌دهد. (اللیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۳۵)

۶-۲. آثار اجتماعی امانت‌داری

امانت‌داری فواید اجتماعی زیادی هم دارد که به چند مورد اشاره می‌شود:

۶-۲-۱. افزایش اعتماد بین مردم

اولین اثر از آثار اجتماعی امانت‌داری، افزایش اعتماد افراد به یکدیگر در جامعه است. اگر همه افراد یک جامعه امانت‌دار باشند، مردم بیشتر باهم انس می‌گیرند و بیشتر به همدیگر اعتماد می‌کنند. از لازمه این اعتماد بین مردم، به وجود آمدن اتحاد و صمیمت است که در نتیجه زندگی پر از امن و آرامش، نصیب مردم خواهد شد. اگر اعتماد افراد نسبت به همدیگر سلب شود، همه از یکدیگر وحشت خواهند داشت. مردم به جای این که به فکر پیشرفت اقتصادی و علمی جامعه باشند، استعدادهای زیادی صرف دفع این وحشت و بی‌اعتمادی خواهد شد. امام صادق (ع) به یکی از یاران خود فرمود: «عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ تَشْرِكُ النَّاسَ فِي أَمْوَالِهِمْ؛ به راست گو باش و ادای امانت کن که اگر چنین کنی، شریک مال مردم خواهی شد». (کلینی، ۱۳۶۹، ۵: ۱۳۴)

۶-۲-۲. امنیت اجتماعی

امنیت و آرامش فکری و روحی در جامعه از اهمیت زیادی برخوردار است و زمینه بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی دیگر را فراهم می‌کند و زندگی اجتماعی مردم را رونق می‌دهد. در جامعه‌ای که غارت و غصب اموال دیگران، احتکار و اختلاس رخ ندهد، مردم در آسایش و امنیت به سر می‌برند؛ اما اگر احتمال خیانت برود، همه از یکدیگر به وحشت می‌افتند و دائم در فکر این هستند که مبادا خیانتی نسبت به مال و جانشان و یا ناموسشان یا در موقعیت شغلی و اجتماعی که دارند، صورت بگیرد. لذا همیشه در ترس و اضطراب به سر می‌برند. در حالی که اگر امانت‌داری در جامعه به وجود آید، روح و روان انسان در آرامش و امنیت و سعادت خواهد بود. چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «لاتزال امتی بخیر مالم یتخوانوا و ادوا الامانة؛ امت من همواره در خیر و سعادت و خوشی و سعادت خواهد بود، تا وقتی که به همدیگر خیانت نوزند و امانت‌ها را ادا کنند». (مجلسی، ۱۳۶۱، ۷۵: ۱۷۲)

امام کاظم (ع) فرمود: «اهل الارض بخیر مایخافون و ادوا الامانة و عملوا با الحق؛ اهل زمین زندگی خوشی خواهند داشت، اگر از گناه بترسند، امانت‌داری پیشه کنند و به حق عمل نمایند». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۹: ۷۰) طبق این حدیث، امام (ع) زندگی خوش و سعادت‌مند بودن مردم را به امانت‌داری منوط کرده که منشأ امنیت و آرامش است و در حقیقت معنا بخشیدن به زندگی است.

۶-۲-۳. مصون ماندن بیت‌المال

در صدر اسلام، بیت‌المال به اموال و اجناس محدودی اطلاق می‌شد که در خزانه‌ها و انبارهای مخصوص نگهداری می‌شد؛ اما امروزه به دلیل گسترش جوامع و مدنیت، عنوان بیت‌المال وسعت یافته و مصادیق فراوانی دارد. از جمله اماکن عمومی، مثل پارک‌ها، خیابان‌ها، منابع طبیعی مثل دریاها، جنگل‌ها، وسایل نقلیه عمومی و شهری، شفاخانه‌ها، اداره‌ها، مراکز آموزشی و... بنابراین اگر بیت‌المال باین همه وسعت و گستردگی‌اش در جامعه به عنوان امانت نهادینه شود، دیگر فساد و تباهی و حق‌خواری و ترس از ظلم و... معنا ندارد.



نتیجه‌گیری

امانت‌داری حفظ اموال و بازگرداندن آن به صاحبش است که در قرآن و روایات مورد تأکید است تا جایی که اساس اسلام خوانده شده؛ یعنی بدون امانت‌داری اسلام و ایمان معنا ندارد. این اهمیت و جایگاه والای این خصلت انسانی را در اسلام بیان می‌کند؛ چه اینکه این خصلت ارزنده به‌عنوان یک قانون برای جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی کاربرد دارد و سبب تحکیم پایه‌های روابط فردی و اجتماعی می‌گردد. امانت‌داری مصادیق فراوانی دارد و تمام نعمات و مواهب الهی اعم از مادی معنوی فردی و گروهی را شامل می‌شود.

امانت‌داری آثار و برکات فراوان فردی و اجتماعی، دنیای و اخروی دارد؛ زیرا نتیجه اعمالی است که به فرد امانت‌دار، اعطا می‌شود. اهم آن برکات وسعت روزی، جلب اعتماد مردم، موجب رضا و خشنودی پروردگار، کاهش یافتن مصارف و هزینه‌ها، امنیت و آرامش روحی در جامعه است. اگر در جامعه خصلت امانت‌داری رواج داشته باشد، در اثر اعتمادی که از این طریق بین مردم برقرار و مستحکم می‌شود، افراد آن جامعه همیشه در آرامش خاطر خواهند بود و به زندگی توأم با پیشرفت‌های علمی و اقتصادی و معنویت خواهند رسید.





فهرست منابع

القرآن الکریم

نهج البلاغه

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۹۲)، *تحف العقول*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، *نهج الفصاحه*، قم: نشر امام علی بن ابیطالب.
۳. حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، (ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی)، قم: دفتر نشر اسلامی.
۵. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۹)، *الکافی*، تهران: اسوه.
۶. اللیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶)، *عیون الحکم والمواعظ*، (محقق و مصحح: حسین حسینی بیرجندی)، قم: دارالحديث.
۷. متقی الهندی، حسام الدین، (بی تا)، *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، (تحقیق: صفوت السقا - بکری الحیانی)، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۱)، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۹. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، *میزان الحکمة*، قم: دارالحديث.
۱۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۶)، *دایرة المعارف قرآن*، قم: بوستان کتاب.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۵۳)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۲)، *اخلاق در قرآن*، (تحقیق: سلیمان زاده)، قم: نشر الامام علی بن ابی طالب.
۱۳. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۸)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار موسوی خمینی.
۱۴. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار موسوی خمینی.